

درس بیست و دوم

قربانی ابراهیم

پیدایش ۲۲

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود مقرر کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه می‌توانیم باری دیگر برنامه طریق عدالت را به شما تقدیم می‌کنیم. در بررسی خود از کتاب تورات، داستانهای عجیب و مهمی درباره زندگی نبی خدا، ابراهیم آموختیم. امروز به مهم‌ترین درس از زندگی ابراهیم می‌رسیم: داستان واقعی یک قربانی و مفهوم آن. در درس گذشته آموختیم که چگونه خدا به ابراهیم و ساره در سنین پیری پسر بیخشید، و بدینسان به آنچه که قبلاً وعده داده بود جامه عمل پوشانید. پسر آنها اسحاق نام داشت. خدا به ابراهیم وعده داده بود که، از نسل اسحاق امتی جدید بوجود خواهد آورد، که توسط آن امت تمام امتهای دنیا برکت خواهند یافت. همچنین دیدیم که چگونه اسماعیل و مادرش، هاجر خانه ابراهیم را ترک کردند، و برای زندگی به سرزمینی جدید در مصر رفتند. بدینسان تنها اسحاق در خانه ماند، کسی که بر طبق وعده خدا متولد شد. روزی خدا از ابراهیم خواست تا کاری بس دشوار و عجیب انجام دهد. در کتاب پیدایش از تورات، باب بیست، چنین نوشته شده است:

«و واقع شد بعد از این وقایع، که خدا ابراهیم را امتحان کرده بدو گفت: «ای ابراهیم!» عرض کرد: «لیک.» گفت: «اکنون پسر خود را، که یگانه دوست و او را دوست می‌داری یعنی اسحاق را بردار و به زمین موری برو، و او را در آنجا، بر یکی از کوه‌هایی که به تو نشان می‌دهم، برای قربانی سوختنی بگذران.»

چی؟! خدا از ابراهیم چه می‌خواست؟ او به ابراهیم فرمان داد پسر محبوب خود را بردارد و به کوهی بسیار دور برود، و او را به عنوان قربانی سوختنی در آنجا قربانی کند! چگونه ممکن است؟ ابراهیم به مدت بیست و پنج سال صبر کرده بود تا صاحب پسر شود که خدا بدو وعده داده بود، و اکنون خدا به او می‌گوید که پسر خود را به عنوان قربانی بکشد! پاسخ ابراهیم به خدا چه بود؟ آیا او سعی کرد با کلام خدا به بحث و مجادله بپردازد، چرا که پذیرفتن این موضوع برایش دشوار بود؟ کتاب مقدس می‌گوید:

بامدادان ابراهیم برخاسته الاغ خود را بیاراست، و دو نفر از نوکران خود را با پسر خویش اسحاق برداشته، و هیزم برای قربانی سوختنی شکسته، روانه شد و به سوی آن مکانی که خدا او را فرموده بود، رفت.

ابراهیم و پسرش و دو نفر از نوکرانش به مدت سه روز راه رفتند و راه رفتند و راه رفتند تا به کوهی که خدا گفته بود برسند. همچنانکه ابراهیم به مکان ترسناکی که باید در آنجا پسر محبوب خود را قربانی می‌کرد و می‌سوزاند نزدیک می‌شد، قلبش برای شکستن آماده می‌شد! مسلماً ما که امروز این داستان را می‌خوانیم،

می‌دانیم که خدا قصد داشت ایمان ابراهیم را امتحان کند، اما ابراهیم این را نمی‌دانست! آنچه خدا از او خواسته بود تجربه‌ای دردناک و بسیار اسفناک بود!

کتاب مقدس در ادامه چنین می‌گوید:

و در روز سوم ابراهیم چشمان خود را بلند کرده آن مکان را از دور دید. آنگاه ابراهیم به خادمان خود گفت: «شما در اینجا نزد الاغ بمانید، تا من با پسر بدانجا رویم و عبادت کرده نزد شما باز آییم.» پس ابراهیم هیزم قربانی سوختنی را گرفته بر پسر خود اسحاق نهاد و آتش و کار را به دست خود گرفت و هر دو با هم می‌رفتند. و اسحاق پدر خود ابراهیم را خطاب کرده گفت: «ای پدر من.» گفت: «ای پسر من لیبیک؟» گفت: «اینک آتش و هیزم، لکن بره قربانی کجاست؟» ابراهیم گفت: «ای پسر من خدا بره قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت.» و هر دو با هم رفتند. چون بدان مکانی که خدا بدو فرموده بود رسیدند، ابراهیم در آنجا مذبح را بنا نمود و هیزم را بر هم نهاد و پسر خود اسحاق را بسته بالای هیزم و بر مذبح گذاشت و ابراهیم دست خود را دراز کرده کارد را گرفت تا پسر خویش را ذبح نماید. در حال فرشته خداوند از آسمان وی ندا در داد و گفت: «ای ابراهیم، ای ابراهیم!» عرض کرد: «لیبیک؟» گفت: «دست خود را بر پسر دراز مکن و بدو هیچ مکن زیرا که الان دانستم که تو از خدا می‌ترسی، چونکه پسر یگانه خود را از من دریغ نداشتی.» آنگاه ابراهیم چشمان خود را بلند کرده دید که اینک قوچی در عقب وی در بیشه‌ای به شاخهایش گرفتار شده. پس ابراهیم رفت و قوچ را گرفته آن در عوض پسر خود برای قربانی سوختنی گذرانید و ابراهیم آن موضوع را بیهوده یرا نامید چنانکه تا امروز گفته می‌شود، در کوه بیهوه دیده خواهد شد. (پیدایش ۲۲: ۴-۱۴)

این داستان بسیار مهم است و نیاز به توضیح دارد. داستان قربانی ابراهیم سه جنبه دارد: یک جنبه تاریخی، یک جنبه نمادین، و یک جنبه نبوتی. به بیانی دیگر، برای درک قربانی ابراهیم، لازم است سه موضوع را درک کنیم: (۱) آنچه اتفاق افتاد (۲) قربانی نماد چه چیزی بود و (۳) نبوتی که ابراهیم درباره واقعه‌ای که رخ داد، به زبان آورد.

در مورد جنبه تاریخی آن دیدیم که خدا چگونه ایمان ابراهیم را مورد آزمایش قرار داد و پسر او را توسط یک قوچ قربانی از خطر مرگ رهایی داد. این واقعه چهار هزار سال پیش در مکانی که اورشلیم امروزی واقع شده است، رخ داد. این جنبه تاریخی داستان قربانی ابراهیم بود.

در مورد جنبه نمادین این واقعه، کلام خدا به ما می‌گوید که همه ما شبیه پسر ابراهیم هستیم. خواندیم که خدا، به خاطر عدالت خود، پسر ابراهیم را به مرگ محکوم کرد. همه ما گناهکاریم و مستحق داوری خدا هستیم. اما همچنین خواندیم که چگونه خدا به خاطر فیض خود پسر ابراهیم را از مرگ رها کرد. به همین شکل هم خدا، به خاطر فیض خود راهی برای ما مهیا کرده است تا نجات بیابیم. این راه نجات چیست؟ داستان قربانی ابراهیم به ما می‌آموزد راه نجاتی که خدا تعیین کرده است راه قربانی کامل است.

در داستان امروز، دیدیم که خدا قوچی مهیا کرد تا به جای پسر ابراهیم بمیرد. تنها شاخ‌های قوچ در میان بوته‌ها گرفتار شده بود؛ و پوست آن گوسفند آسیبی ندیده بود. اگر آن گوسفند کوچکترین آسیبی می‌دید، دیگر نمی‌توانست جایگزین پسر ابراهیم بر روی مذبح شود. اما قربانی‌ای که خدا مهیا کرد یک گوسفند کامل بود، بدون هیچ عیبی. در حین مطالعه اولین بابهای تورات در مورد راه نجاتی که خدا تعیین کرد آموختیم. آیا به یاد دارید که این راه چه بود؟ پس از گناه آدم و حوا خدا چنین حکم کرد که از آنجایی که جزای گناه مرگ است، بدون ریختن خون آمرزش گناهان نیست. بنابراین تمام کسانی که می‌خواهند گناهانشان بخشیده شود باید حیوانی بی‌عیب گرفته آن را به عنوان قربانی سوختنی به خدا تقدیم کنند. حیوان بی‌گناه باید به جای انسان گناهکار کشته شود. این تنها راهی بود که خدا می‌توانست توسط آن گناهان بنی‌آدم را بدون اینکه با گناه سازش کند، بیامرزد.

نکته دیگری که باید به خاطر بسپاریم این است: کتاب مقدس می‌گوید که حیوانات قربانی فقط جنبه «نمادین» (سمبولیک) داشتند. آنها نماد یا سمبل آن چیزی بودند که قرار بود بیاید؛ سایه‌ای از نعمات آینده - و نه خود واقعیت. زیرا محال است که خون گاوها و بزها رفع گناهان را بکنند. (عبرانیان ۱۰: ۱، ۴) خون حیوانات قادر به جبران گناه انسان نیست زیرا انسان با حیوان دارای ارزشی برابر نیستند. بنابراین می‌بینیم گوسفندی که جایگزین پسر ابراهیم بر روی مذبح شد تصویری از یک قربانی بزرگتر و کامل‌تر بود. کلام خدا به ما می‌گوید که گوسفندی که به جای پسر ابراهیم قربانی شد نمادی از نجات‌دهنده قدوسی بود که باید به این جهان می‌آمد و به جای گناهکاران می‌مرد، تا خدا هر کسی را که به او ایمان بیاورد بیامرزد. خلاصه آنکه، گوسفندی که ابراهیم قربانی کرد نمادی بود از نجات‌دهنده موعود. او تصویری است از نجات‌دهنده‌ای که خدا وعده داده بود به این جهان می‌آید و گناهکاران را از داوری عدالت نجات می‌دهد.

در مورد جنبه نبوتی داستان، آیا به یاد دارید که ابراهیم به هنگام بالا رفتن از کوه به اسحاق چه گفت؟ او به اسحاق گفت: «خدا بره قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت.» و آیا به یاد دارید که ابراهیم پس از اینکه آن قوچ را قربانی کرد و آن را به جای پسر خود سوزاند چه گفت؟ او محل قربانی را «یهوه یرا» نامید. و موسی نبی، کسی که تورات را نوشت این را نیز می‌افزاید: «چنانکه تا امروز گفته می‌شود: «در کوه یهوه دیده خواهد شد!» علت آن چه بود؟ چرا ابراهیم نبی گفت «یهوه مهیا می‌کند؟» چرا نگفت: «خدا را شکر! خدا قربانی را مهیا کرده است!؟ دوستان، این سؤال بسیار حائز اهمیت است، زیرا پاسخ آن خبر خوش کلام خدا را به همراه دارد، خبر خوشی که هر یک از ما باید آن را درک کرده و بدان ایمان بیاوریم!

چرا ابراهیم این مکان را «یهوه یری» نامید؟ به این دلیل که ابراهیم واقعه‌ای را اعلان می‌کرد که روزی بر روی همان کوهی که گوسفند به جای پسر او قربانی شد، رخ خواهد داد. جان کلام اینکه، ابراهیم اعلام کرد، «خدا را شکر می‌کنم، زیرا گوسفندی مهیا کرد تا جایگزین پسر من بر روی مذبح شود. اما من به شما می‌گویم که روزی بر روی همین کوه، خدا قربانی دیگری مهیا خواهد کرد که بسیار بزرگتر از گوسفندی است که امروز پسر مرا از کارد و آتش نجات داد. بله، قربانی‌ای که خدا مهیا خواهد کرد قدرت خواهد داشت بنی‌آدم را از

هلاکت ابدی در آتشی که هیچگاه خاموشی نمی‌پذیرد نجات بخشد! خدا نجات‌دهنده‌ای قدوس نازل خواهد کرد تا همچون یک قربانی، بی‌گناه به جای گناهکار قربانی شود، تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد! این خیر خوشی است که ابراهیم برای همه داشت، هنگامی که گفت: «خدا بره قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت!»

پیش از اینکه داستان قربانی ابراهیم را امروز به پایان برسانیم، لازم است هر یک از ما بدانیم که تقریباً دو هزار سال پس از نبوت ابراهیم خدا قربانی‌ای برای گناهکاران مهیا کرد، خدا به نبوت ابراهیم جامه عمل پوشانید. نمی‌توانیم راجع به این موضوع زیاد صحبت کنیم، اما آندسته از شما که انجیل را می‌شناسید، از داستان نجات‌دهنده آگاهی دارید. می‌دانید که او از باکره‌ای متولد شد که از نسل اسحاق و ابراهیم بود، همانگونه که خدا وعده داده بود. نجات‌دهنده‌ای که باید به جای گناهکاران می‌مرد پدر زمینی نداشت. او از آسمان آمد، و از این رو ذات گناهکار آدم را به ارث نبرد. او گناهی نداشت؛ عیبی در وی نبود. به همین خاطر است که او این شایستگی را داشت که به عنوان یک قربانی کامل بمیرد؛ به عنوان جایگزینی برای فرزندان گناهکار آدم.

هنگامی که به اناجیل برسیم، خواهیم دید که خدا یحیی نبی را پیش از نجات‌دهنده می‌فرستد تا راه را برای ورود او آماده کند. روزی، یحیی عیسی را دید که نزد او می‌آید و گفت: «اینک بره خدا که گناه جهان را بر می‌دارد!» (یوحنا ۱: ۲۹) چرا یحیی نبی عیسی را «بره خدا» نامید؟ زیرا عیسی متولد شد تا خون خود را به عنوان قربانی‌ای که گناه جهان را برمی‌دارد بریزد. نجات‌دهنده همچون گوسفندی که به جای پسر ابراهیم مرد، به جای تمام فرزندان آدم قربانی شد. عیسی قربانی کامل و نهایی است که ابراهیم در مورد او چنین نبوت کرد: «خدا بره قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت.»

در انجیل می‌خوانیم که عیسی به اراده خود، خود را به دشمنان سپرد، و دشمنان او را به صلیب میخ کوبیدند. عیسی نجات‌دهنده، کسی که خدا او را مهیا کرده بود، مفهوم نمادین و نبوتی گوسفند قربانی ابراهیم را تحقق بخشید. به همین خاطر است که عیسی پیش از اینکه جان بسپارد فریاد زد، «تمام شد!» (یوحنا ۱۹: ۳۰) و سه روز بعد خدا قدرت و کاملیت قربانی نجات‌دهنده را تأیید کرد، چرا که او را از میان مردگان برخیزانید! عیسی تنها کسی است که به مفهوم قربانی ابراهیم تحقق بخشید. آیا می‌دانید که محلی که عیسی در آنجا به جای گناهکاران مرد همان کوهی بود که ابراهیم آن گوسفند را به جای پسرش قربانی کرد؟ آیا می‌دانید این دو قربانی در کجا صورت گرفت؟ بله، در اورشلیم.

دوستان عزیز، هر کسی که هستید، هر کجا که هستید، خدا به شما فرمان می‌دهد که از عقاید پوچ و اعمال باطل خود بازگشت کنید، تنها به قربانی کامل و نهایی‌ای که او خود مهیا کرده است امید و توکل داشته باشید. زیرا کتاب مقدس می‌گوید: «خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار متحمل شد تا از گناه مرده شده، به عدالت زیست نماییم که به ضربهای او شفا یافته‌اید.» (۱ پطرس ۲: ۲۴) امروز دیدیم که پسر ابراهیم قربانی‌ای را که خدا مهیا کرده بود پذیرفت. شما چطور؟ آیا قربانی‌ای را که خدا برای شما مهیا کرده است پذیرفته‌اید؟

از اینکه به برنامه ما گوش دادید متشکریم به آنچه که ابراهیم بر روی کوه موريا گفت به دقت توجه
نمایید،

«خدا بره قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت... در کوه یهوه دیده خواهد شد!» (پیدایش ۲۲:۸)

(۱۴)

خدا به شما برکت دهد.